

تأملی بر حکم دادگاه استیناف شهر لاهه (مورخ ۹ می ۲۰۰۷) در مورد معاونت در کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق

دکتر سیدقاسم زمانی*

چکیده

استفاده رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی در طول هشت سال تجاوز مسلحانه به جمهوری اسلامی ایران و نیز علیه مردم عراق قربانیان زیادی را به‌جای گذاشت. حکم دادگاه استیناف شهر لاهه در تاریخ ۹ می ۲۰۰۷ با احراز قضائی استفاده مکرر رژیم بعث از سلاح‌های شیمیایی در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ و محکومیت فرانس فان آنرات به اتهام ارسال پیش‌سازهای شیمیایی به این کشور در زمان جنگ پیام‌های زیادی در خود دارد که با تأمل در آن حکم قابل استنباط می‌باشد.

واژگان کلیدی: سلاح‌های شیمیایی، جنایت جنگی، جنگ تحمیلی، فرانس فان آنرات، مصدومان شیمیایی، حقوق بشردوستانه.

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

به‌رغم آنکه ممنوعیت استفاده یا تهدید به کاربرد زور در روابط بین‌المللی (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد) نمونه‌های اعلا‌ی قاعده‌آمره حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود و فلسفه وجودی سازمان ملل متحد و وظیفه اصلی رکن اجرایی آن (شورای امنیت) حفظ صلح و امنیت جهانی و مقابله با هرگونه تهدید صلح، نقض صلح و اعمال تجاوزکارانه می‌باشد اما وقوع جنگ‌های مسلحانه واقعیت عصر حاضر می‌باشد. بر همین اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در قالب اسناد بین‌المللی مختلف و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی تجلی یافته است از جمله کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها را ممنوع ساخته است، سلاح‌هایی که ساخت و استفاده از آنها به لحاظ فنی و اقتصادی چندان سخت و دشوار نیست (بمب اتمی فقرا) اما با ایجاد درد و رنج زاید و غیرضروری قربانی را زجرکش می‌نمایند و به لحاظ قلمرو آثار و اهداف مورد حمله نیز غیرقابل کنترل می‌باشند.^۱

رژیم بعث عراق که در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ تجاوز مسلحانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز نمود سریعاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه افراد نظامی و غیرنظامی ایران را آغاز نمود و در اثر عدم واکنش بین‌المللی مؤثر بارها از این سلاح‌ها برای نیل به اهداف شوم خود استفاده نمود. استفاده رژیم بعث از این سلاح‌ها در اسفند ۱۳۶۶ علیه مردم حلبچه نشان داد که رژیم عراق برای حفظ سلطه خویش از کشتار مردم خود نیز ابایی ندارد. واقعیت تأسف بار در این مورد آن است که اشخاص و شرکت‌های خارجی زیادی در تجهیز شیمیایی عراق در طول سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ مشارکت فعال نمودند و عامدانه و آگاهانه در جنایات رژیم بعث در این زمینه معاونت داشته‌اند. آقای فرانس فان آنرات که به اتهام کمک به برنامه تسلیحات شیمیایی عراق در دهه ۸۰، توسط دادستانی هلند (شهر لاهه) تحت تعقیب قرار گرفت طبق حکم دادگاه بخش شهر لاهه در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵ به ۱۵ سال حبس و پرداخت غرامت به ۱۵ مصدوم شیمیایی (شاکی خصوصی) محکوم شد. با اعتراض متهم و دادستان پرونده در دادگاه استیناف مورد بررسی مجدد قرار گرفت. حکم دادگاه استیناف در ۹ می ۲۰۰۷ صادر گردید.

پس از بررسی مختصر تجاوز نظامی عراق به ایران و استفاده این کشور از سلاح‌های شیمیایی احکام فوق به‌اختصار مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سید قاسم زمانی: حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۶، صص ۳۷ - ۳۵.

مبحث اول

تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران و استفاده از سلاح‌های شیمیایی

در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) که کشور جمهوری اسلامی ایران مورد تجاوز مسلحانه همه‌جانبه ارتش رژیم بعث عراق قرار گرفت به‌سختی می‌شد تصور کرد که طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم آغاز شده است. تهاجم نظامی ناگهانی عراق در طول ۵۵۰ کیلومتر نوار مرزی زمینی و دریا و هوا، بسیاری از کارشناسان نظامی را به این نتیجه رسانده بود که جمهوری اسلامی ایران به‌زودی شکست را خواهد پذیرفت و خواسته‌های رژیم بعث عراق و از جمله بی‌اعتباری موافقت‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر و حاکمیت این کشور بر اروند رود را گردن خواهد نهاد؛ به‌ویژه آنکه ظرف مدت نسبتاً کوتاهی بخش‌های قابل توجهی از سرزمین ایران (حدود ۳۰,۰۰۰ کیلومتر مربع) تحت اشغال نظامی نیروهای عراقی درآمد. در همان زمانی که نیروهای ایران به تلاش برای عقب راندن نیروهای عراقی از سرزمین‌های اشغالی ادامه می‌دادند، متأسفانه سازمان ملل متحد که براساس منشور، مسئولیت حفظ صلح و امنیت جهانی و مقابله با هرگونه تهدید بر صلح، نقض صلح و تجاوز را به‌عهده دارد، واکنش مناسبی از خود نشان نداد. شورای امنیت در قطعنامه ۴۷۹ (مورخ ششم مهرماه ۱۳۵۹) با اکتفای به درخواست آتش‌بس، مزورانه در مقابل اشغال غیرقانونی سرزمین‌های ایران توسط عراق سکوت اختیار کرد. این چنین بود که «قطعنامه ۴۷۹ به‌سرعت مورد پذیرش عراق قرار گرفت و شورای امنیت مورد قدردانی و تشکر این دولت»^۲. ایران با رد قطعنامه مذکور، ابراز داشت که شورای امنیت باید اعمال تجاوزکارانه عراق را محکوم کرده، عقب‌نشینی فوری نیروهای عراقی را از سرزمین ایران درخواست کند و از آن کشور بخواهد که به ایران غرامت بپردازد و مقامات عراقی را به‌دلیل ارتکاب جنایات محکوم نماید.^۳

شورای امنیت پس از صدور قطعنامه ۴۷۹ برای مدت طولانی (حدود بیست و دو ماه) سکوت اختیار کرد تا اینکه نیروهای ایران طی عملیات ثامن الائمه به شکست حصر آبادان اقدام نموده و با عملیات طریق‌القدس بخش‌های مهمی از سرزمین‌های اشغالی در جنوب را آزاد کردند. همچنین آزادسازی قسمت‌هایی از مناطق اشغالی در غرب کشور، و حوالی شهرهای شوش و دزفول طی عملیات فتح‌المبین و بالاخره آزادی خرمشهر با عملیات بیت‌المقدس در سوم خرداد ۱۳۶۱، شورای امنیت را به‌تحرك واداشت. به‌دنبال این امر شورای امنیت که به درخواست اردن و حمایت امریکا تشکیل جلسه داده بود در بیست و یکم تیرماه ۱۳۶۱ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲) طی

۲. پارسا دوست، منوچهر، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶.
3. Security Council Official Records 35th year 2252nd Meeting, para. 87.

قطعه‌نامه ۵۱۴ ضمن درخواست آتش‌بس، خواستار عقب‌نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای شناخته شده بین‌المللی شد. با گسترش عملیات نظامی موفقیت‌آمیز ایران در جبهه‌های جنگ لحن قطعه‌نامه‌های شورای امنیت نیز به تدریج تغییر یافت. شورا در سال ۱۳۶۲ طی قطعه‌نامه ۵۴۰ (۱۳۶۲/۸/۹) لزوم بررسی علل عینی جنگ را مورد تأیید قرار داد و حدود دو سال بعد در قطعه‌نامه ۵۸۲ (۱۳۶۴/۱۲/۵) از اقدامات ابتدایی که منجر به بروز مخاصمه شده است، ابراز تأسف نمود. بالاخره با تصرف فاو در سال ۱۳۶۶ توسط نیروهای ایرانی، شورای امنیت در قطعه‌نامه ۵۹۸ (۲۹ تیرماه ۱۳۶۶) با استناد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور، احراز نمود که در منازعه میان ایران و عراق «نقض صلح» حادث شده است. سرانجام در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۷ با پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ از طرف ایران، پس از هشت‌سال جنگ، آتش‌بس رسمی میان دو کشور برقرار گردید.^۴

آنچه بیش از نفس تجاوز مسلحانه رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ و موضع جانبدارانه شورای امنیت از کشور متجاوز جلب توجه می‌کند نقض اصول و قواعد حقوق بشردوستانه توسط رژیم جنگ‌افروز عراق در طول هشت سال جنگ می‌باشد. واکنش شورای امنیت در قبال تجاوز همه‌جانبه عراق به جمهوری اسلامی ایران، رژیم بعث را جسارت بخشید تا در نیل به پیروزی و درهم شکستن مقاومت نیروهای ایرانی در ارتکاب هیچ جنایت جنگی به خود تردیدی راه ندهد. نقض فاحش و گسترده حقوق لازم‌الرعایه در مناطق اشغالی،^۵ حمله به مناطق و اهداف غیرنظامی، بدرفتاری با اسرای جنگی و ... بخشی از جنایات ارتكابی نیروهای نظامی عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. آنچه در این میان بیش از تمام جنایات ارتكابی نیروهای عراقی جلب توجه می‌کند کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای نظامی و مردم غیرنظامی ایران می‌باشد. نیروهای عراقی برای اولین بار در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۹ به استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه رزمندگان اسلام در محورهای «هاله» و «نی‌خزر» مبادرت ورزیدند و سپس در سال ۱۳۶۰ دامنه کاربرد این سلاحها را در جبهه‌های هویزه، تپه‌های الله اکبر، جسر نادری و خرمشهر نیز ادامه دادند. در طول سالهای بعد نیز کم و بیش کاربرد این سلاحها علیه نیروهای ایران و مردم غیرنظامی استمرار داشت و تا ۱۸ مارس ۱۹۸۸ علیه شهر حلبچه در عراق نیز ادامه پیدا نمود. «براساس آمار استخراج شده از گزارشهای حمله‌های شیمیایی عراق، روند استفاده عراق از این سلاح، سال به سال سیر صعودی داشته است به‌گونه‌ای که تعداد حمله‌های عراق در «نمودار رشد نسبی» با

۴. برای مطالعه بیشتر رک. سیدقاسم زمانی و دکتر اسماعیل منصور لاریجانی: نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد و تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۸.

۵. برای مطالعه بیشتر رک. سیدقاسم زمانی: حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۱.

حدود ده حمله در سال آغازین جنگ تحمیلی شروع می‌شود و در سال ۱۳۶۷ حدود ۴۵ حمله را در سال گزارش می‌کند»^۶.

واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی که در قالب بیانیه‌های مورخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴، ۲۵ آوریل ۱۹۸۵، ۲۱ مارس ۱۹۸۶ و ۱۴ می ۱۹۸۷ و نیز قطعنامه‌های ۶۱۲ (مصوب ۹ می ۱۹۸۸) و ۶۲۰ (مصوب ۲۶ اوت ۱۹۸۸) تجلی یافت، آن‌چنان ملایم و مغرضانه بود که به هیچ‌وجه با عمق و گستره جنایات ارتكابی رژیم بعث در این زمینه تناسب نداشت. بر همین اساس رژیم وقت عراق که انکار کاربرد سلاحهای شیمیایی را بی‌فایده می‌دید در مقام توجیه استفاده از این سلاحها برآمد و با استناد به حربه‌هایی مثل اعمال رزرو نسبت به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، مقابله به مثل، دفاع مشروع و ارتباط دادن کاربرد سلاحهای شیمیایی با کل جنگ تلاش نمود که از اقدام خویش در این زمینه دفاع نماید.^۷ تردیدی وجود نداشت که ممنوعیت مطلق استفاده از سلاحهای شیمیایی در حد یک قاعده آمره بین‌المللی و تلقی این اقدام به‌عنوان یک جنایت جنگی هیچ توجیهی را در این زمینه بر نمی‌تابید.

عراق در تأمین تسلیحات شیمیایی خویش در طول هشت سال جنگ با ایران تا حد زیادی به منابع خارجی متکی بود. به‌واقع دولتهایی مثل انگلستان، آلمان غربی، شوروی (سابق)، امریکا، یوگسلاوی (سابق)، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا، چین، آفریقای جنوبی، شیلی و شماری از دیگر دولتها یا رأساً به صدور مواد شیمیایی به عراق مبادرت ورزیدند یا نسبت به صدور آن توسط اتباع خویش به کشور عراق واکنش چندان مؤثری از خود نشان ندادند.^۸ تنها در سال آخر جنگ و به لحاظ وسعت استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی بود که مثلاً دادستانی آلمان علیه چند شرکت آلمانی که متهم به ارسال و صدور مواد شیمیایی به عراق برای ساخت بمبهای شیمیایی بودند، اعلام جرم کرد و آنها را تحت تعقیب قرار داد.^۹ با این حال پرونده مذکور صرفاً براساس نقض مقررات گمرکی پیگیری شد و بدون سر و صدا خاتمه پیدا کرد و نامی از شرکتهای شاخص آلمانی که مواد و تجهیزات و فناوری لازم را برای رژیم عراق فراهم کرده بودند، برده نشد.^{۱۰}

آقای «فرانس فان آنرات» تبعه هلند یکی از افرادی بود که در ۶ دسامبر ۲۰۰۴ توسط

۶. بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مقالات ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، مردادماه ۱۳۶۷، جلد دوم: ابعاد سیاسی و مسائل حقوق بین‌الملل، نگاهی به استفاده رژیم عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی، ستاد تبلیغات جنگ، ص ۳۶۴.

۷. سیدقاسم زمانی، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی، همان، صص ۶۵ الی ۷۸.

۸. برای مطالعه بیشتر رک. سیدقاسم زمانی، تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۰.

۹. روزنامه رسالت، ۱۴/۵/۱۳۶۸.

۱۰. احراز قضائی استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی در طول جنگ تحمیلی علیه ایران، مجله حقوقی، شماره ۳۴، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳.

دادستانی شهر لاهه به اتهام ارسال مواد شیمیایی به عراق در دهه ۱۹۸۰ که برای تولید گازهای سمی (گاز خردل) استفاده شده بود، تحت تعقیب قرار گرفت.

همکاری جمهوری اسلامی ایران با دادستانی هلند برای حضور در ایران و بازدید از مناطق مرزی غرب و جنوب کشور و استماع اظهارات ۵۵ نفر از مصدومان شیمیایی سردشت، اشنویه، آوت، زرده، خرمشهر و آبادان ابعاد جدیدی به این پرونده داد. با صدور کیفرخواست دادستانی شهر لاهه علیه «فرانس فان آنرات» و در پی جلسات رسیدگی متعدد در دادگاه بخش (بدوی) شهر لاهه از ۱۸ آوریل تا ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵، دادگاه در بیست و سوم دسامبر ۲۰۰۵ رأی خود را صادر نمود. در مورد اتهام معاونت در نسل‌کشی که دادستان متوجه متهم ساخته بود، دادگاه بدوی ضمن آنکه با استناد به اسناد و رویه قضائی بین‌المللی، استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی علیه مردم حلبچه در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ را با نیت نابودی تمام یا بخشی از جمعیت کرد و در حقیقت مصداق نسل‌کشی قلمداد نمود، اما معاونت در نسل‌کشی را منوط به آن دانست که متهم نسبت به نیت نسل‌کشی مباشرین واقعاً آگاه بوده باشد؛ از آنجا که اطلاع متهم در زمان تحویل مواد شیمیایی مزبور نسبت به نیت نسل‌کشی مباشرین اثبات نشده و هیچ مدرکی توسط دادستان دال بر اطلاع متهم درباره نحوه رفتار مقامات عراقی نسبت به کردها قبل از ۱۶ مارس ۱۹۸۸ ارائه نگردیده است؛ بنابراین معاونت متهم در نسل‌کشی کردهای حلبچه اثبات نشده و متهم در این مورد تبرئه می‌گردد.

دادگاه در مورد معاونت متهم در جنایات جنگی رژیم عراق در استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه مردم حلبچه و نیز در جنگ علیه ایران ابراز داشت که متهم در حالی به دولت عراق مواد شیمیایی عرضه داشته است که این کشور در حال جنگ با ایران و نیز درگیری نظامی با کردها بوده و متهم به این امر علم داشته که مواد ارسالی وی در تولید گاز سمی استفاده خواهد شد و این گاز سمی به احتمال زیاد مورد استفاده قرار خواهد گرفت. دادگاه بدوی به این حد اکتفاء نکرده و با اتکا به نظریه کارشناسی و شهادت شهود به این نتیجه رسید که گازهای خردل استفاده شده توسط دولت عراق در دهه ۱۹۸۰ به‌واقع تا حد قابل توجهی با استفاده از مواد شیمیایی عرضه شده توسط متهم تولید شده است. دادگاه با تأکید بر عدم شمول مرور زمان نسبت به اتهام متهم، ادامه داد که معاون جرم نمی‌تواند معاونت خود در این نوع جنایات جنگی را با این استدلال توجیه کند که انجام حملات شیمیایی تصمیم وی نبوده یا اینکه این جنایت حتی بدون کمک وی و از رهگذر مساعدت احتمالی دیگران نیز صورت می‌پذیرفت. دادگاه با توجه به وخامت جنایات عراق و نقش متهم در آن جنایات، با اذعان به عدم امکان اجرای واقعی عدالت با مجازات متهم، وی را به حداکثر میزان مجازات معاونت در جرایم جنگی در قوانین هلند یعنی ۱۵ سال حبس محکوم نمود.

در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم و درخواست جبران خسارت ۱۵ مصدوم شیمیایی که به‌عنوان مدعی خصوصی در فرآیند رسیدگی حضور داشتند در وهله اول در مورد ایراد مرور زمان نسبت به این جنبه پرونده، دادگاه ابراز داشت که با توجه به عدم طرح چنین ایرادی از جانب متهم، نیازی نیست که دادگاه رأساً چنین امری را مورد بررسی قرار دهد. دادگاه قانون حاکم بر درخواست جبران خسارت مصدومان را در دو مرحله و به‌صورت جداگانه مورد توجه قرار می‌دهد. در مورد نفس مسئولیت آقای فرانس فان آنرات، دادگاه بدوی قوانین ایران و عراق را به‌عنوان قانون محل بروز خسارت حاکم دانسته و مطالبه غرامت را قانونی و موجه قلمداد می‌نماید. اما در مورد میزان غرامت با حاکم دانستن قانون مقر دادگاه (هلند) متهم را به پرداخت حداکثر غرامتی محکوم می‌نماید که در زمان بروز خسارت طبق قوانین هلند مجری بوده است. بر این اساس دادگاه برای هریک از دعاوی متهم را به پرداخت ۱۵۰۰ فلورن (۶۸۰/۶۷ یورو) غرامت و مبلغ ۱۰۰ یورو بابت هزینه دادرسی محکوم نمود.^{۱۱}

مبحث دوم

حکم دادگاه استیناف شهر لاهه (۹ می ۲۰۰۷) در مورد مسئولیت فرانس فان آنرات به لحاظ معاونت در جرایم جنگی نیروهای عراق

حکم دادگاه بدوی شهر لاهه در محکومیت فرانس فان آنرات به ۱۵ سال حبس با احتساب مدت زمان بازداشت قبلی و پرداخت غرامت به مصدومان شیمیایی به لحاظ حقوقی و قضائی از اهمیت بسیاری برخوردار بود و به‌ویژه مورد استقبال نهادهای بشردوستانه و حقوق بشر قرار گرفت. با این حال عدم قطعیت رأی صادره و امکان تغییر مفاد رأی در مرحله استیناف دور از ذهن نبود. بر این اساس با اعتراض متهم و دادستان به رأی دادگاه بخش شهر لاهه پرونده فرانس فان آنرات به اتهام معاونت در کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط نیروهای نظامی عراق در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ در بوته آزمون قضائی دیگری قرار گرفت.

دادگاه استیناف متشکل از سه قاضی پس از تشکیل جلسات رسیدگی و امان‌نظر دقیق پرونده در ۹ اکتبر ۲۰۰۶، دوم، چهارم، یازدهم، شانزدهم و بیست و پنجم آوریل ۲۰۰۷، رأی نهایی خویش را در ۹ می ۲۰۰۷ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶) صادر نمود.

یکی از اعتراضات متهم به رأی دادگاه بدوی ابهام در انتساب اتهاماتی بود که به وی نسبت داده شده بود. به ادعای متهم دوره زمانی و قلمرو مکانی جرایم ارتكابی توسط نیروهای

۱۱. خلاصه فارسی و متن کامل انگلیسی و هلندی حکم صادره از دادگاه بخش شهر لاهه در مورد آقای فرانس فان آنرات در شماره ۳۴ مجله حقوقی در صفحات ۲۳۳ تا ۴۶۲ آمده است.

عراقی که بین سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ در عراق و ایران معین شده از آن چنان کلیتی برخوردار است که وی را از دفاع در مقابل اتهامات ادعایی ناتوان می‌سازد. از سوی دیگر عبارت «مواضعه و تبانی به هر نحو ممکن» که در حکم دادگاه بدوی آمده است درک معنای آن را دشوار می‌نماید. به تعبیر دیگر این عبارت از یک سو به جرایم اصلی دلالت دارند که معاونت وابسته به آنهاست و از سوی دیگر اتهام معاونت مستقل متوجه متهم شده است که تلفیق آن با جرایمی که قبلاً ارتکاب یافته، سخت و دشوار می‌باشد. دادگاه استیناف در این مورد ابراز داشت که حملات این چنینی مستقیماً به اعمال و اقداماتی دلالت ندارد که آقای فرانس فان آنرات متهم به آنها شده است، بلکه منظور از آن حملات اقدامات رژیم عراق می‌باشد. با این حال برخلاف پیشینه پرونده، شاخصهای زمانی و مکانی ذی‌ربط آن چنان نامعین و غیرمنجز تعیین شده‌اند که فاقد وضوح و شفافیت کافی است تا متهم قادر به دفاع از خویش باشد. عبارت «مواضعه و تبانی به هر نحو ممکن» نیز بدون توضیح بیشتر در زمره اتهامات متهم قرار گرفته و مشخص نمی‌سازد که به‌واقع چه اتهامی در مرحله بدوی متوجه وی بوده است. بر این اساس حکم دادگاه بدوی از جهات فوق با ماده ۲۶۱ قانون آئین دادرسی کیفری هلند منطبق نیست و مخدوش قلمداد می‌شود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد دادگاه استیناف در آستانه ورود به رسیدگی قضائی به اعتراض متهم، به اقتضای اصل برائت می‌کوشد تا در مورد تعیین و قطعیت قضائی اتهامات انتسابی که مبنای احراز مجرمیت متهم بوده است به بررسی بپردازد و در مورد امکان نفی حق دفاع متهم به لحاظ کلیت و ابهام اتهامات ادعایی با رعایت اصل برابری اظهار نظر نماید. در مورد تساوی امکانات و فرصت‌ها متهم مدعی شد که چنین اصلی در رسیدگی به پرونده حاضر رعایت نشده و دادرسی از این حیث منصفانه نبوده است. به ادعای متهم، پرونده حاضر در مورد اقدامات ادعایی است که حدود ۲۰ سال قبل و در منطقه‌ای رخ داده، که از فرهنگی کاملاً متفاوت برخوردار است و تحقیقات نیز در کشورهای متعددی صورت پذیرفته است. این امر عقلاً و منطقاً استقلال و بی‌طرفی تحقیقات را مردّد می‌نماید و اعمال نفوذ بخش دادستانی و اداره ملّی تحقیقات جنایی در فرآیند جمع‌آوری ادله را بسیار محتمل می‌سازد. دادگاه استیناف با تأکید بر ابعاد بین‌المللی پرونده مطروحه و زمان و مکان وقوع جرایم ذی‌ربط ابراز داشت که متهم به واسطه دو وکیل خویش از فرصت کافی برای شرکت در فرآیند تحقیقات و جمع‌آوری دلایل و امارات قضائی لازم جهت رفع اتهام برخوردار بوده است و در این راستا هیچ خدش‌های به حق دادرسی منصفانه وی و اصل برابری امکانات و فرصت‌ها وارد نشده است. دادگاه در مورد درخواست متهم جهت استماع شهادت ۱۹ شاهد تعرفه شده، با اشاره به حکم مقدماتی خویش در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶، با توجه به عدم امکان استماع شهادت برخی شهود در فرجه

زمانی قابل قبول، استماع شهادت برخی از آنها در مرحله رسیدگی بدوی، فوت شماری از آنها، مؤثر نبودن شهادت برخی از شهود و اعلام خودداری دیگر شهود از ادای شهادت به رد درخواست وی، رأی صادر نمود.

آقای فرانس فان آنرات در مقابل دادگاه استیناف مدعی شد که اصل برابری اقتضای آن دارد که دیگر متهمان دخیل در اتهامات ادعایی نیز توسط دادستانی تحت تعقیب قرار گرفته و مورد محاکمه و مجازات واقع شوند. به زعم متهم، دیگر کشورها و شرکتها نیز به اعمالی که به وی منسوب شده مبادرت ورزیده‌اند و همان‌طور که اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد طی سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۴ دو شرکت طی چند مرحله و در مجموع ۳۱۵۰ تن مواد شیمیایی به عراق ارسال کرده‌اند ولی مورد تعقیب دادستانی قرار نگرفته‌اند. به اعتقاد دادگاه هنگامی می‌توان به اصل برابری در تعقیب و محاکمه استناد جست که به‌واقع امکان اجرای آن وجود داشته باشد. دو شخص از سه شخص مورد ادعا تبعه هلند نیستند و هیچ‌یک از آن سه نفر نیز مقیم کشور هلند نمی‌باشند. اگرچه آنها با متهم ارتباط داشته و در اعمالی که آقای آنرات بدانها متهم شده است با وی کار کرده‌اند اما هیچ‌یک از ایشان در جرایمی که آقای آنرات متهم به ارتکاب آنها شده است سهیم نبوده‌اند. بر این اساس به‌زعم دادگاه، دادستانی دلایلی موجه برای شروع تعقیب آنها در اختیار نداشته است.

دادگاه استیناف رأی دادگاه بدوی را در این مورد تأیید نمود که متهم در نقض قوانین و عرف‌های جنگی توسط صدام حسین و علی حسن‌المجید و دیگر نیروهای عراقی در ۵ ژوئن ۱۹۸۷ در «زوا» در عراق و در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ در حلبچه و در سوم می ۱۹۸۸ در قوک تپه معاونت داشته است.^{۱۲} به زعم دادگاه در این جرایم، متهم فرانس فان آنرات در دوره زمانی ۱۹ آوریل ۱۹۸۴ تا ۳۵ اوت ۱۹۸۸ عامدانه وسایلی را تحویل عراق داده است که ویژه تولید گاز خردل بوده و متهم نسبت به این امر واقف بوده است. دادگاه همچنین این قسمت از رأی دادگاه بدوی را مورد تأیید قرار می‌دهد که صدام حسین و علی حسن‌المجید و دیگران در ۱۱ آوریل ۱۹۸۷ در خرمشهر، در ۱۶ آوریل ۱۹۸۷ در آلوت و در ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۷ در سردشت و رأس‌الحرمه

۱۲. شایان ذکر است که با تصویب اساسنامه دادگاه عالی کیفری عراق در مجلس این کشور در ۲۰۰۵/۱۰/۱۸ روند رسیدگی به جنایات صدام و دیگر مقامات بلندپایه نظامی رژیم بعث آغاز گردید. یکی از اتهامات متهمان این دادگاه بمباران شیمیایی حلبچه در سال ۱۹۸۸ بود، با این حال با بررسی یکی از اتهامات صدام مشهور به واقعه دجیل که در آن ترور ناموفق صدام حسین در ۸ ژوئیه ۱۹۸۲ باعث شده بود، صدام دستور حمله انتقام‌جویانه به روستای دجیل و کشتار مردم این روستا (۱۵۰ مرد و تعدادی کودک) را صادر و اجرا نماید. دادگاه در ۵ نوامبر ۲۰۰۶ حکم اعدام صدام را صادر کرد. این حکم در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۶ مورد تأیید دادگاه تجدیدنظر قرار گرفت و در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ صدام با شمار زیادی اتهام رسیدگی نشده اعدام شد. (مآخذ میرشمس شهشهانی: صلاحیتها و مجازاتها در دادگاه عالی کیفری عراق؛ از تأسیس دادگاه تا اعدام صدام، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۰، ۱۳۸۵، صص ۲۰۳-۱۷۱). شایان ذکر است که این دادگاه در سپتامبر ۲۰۰۷ علی حسن‌المجید معروف به علی شیمیایی را به جرم کشتار کردها در سال ۱۹۸۸ در حلبچه به اعدام محکوم نمود.

(منطقه حوالی سردشت) و در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۸ در زرده و در دوم اوت ۱۹۸۸ در اشنویه، همراه و در همکاری با دیگران مکرراً قوانین و عرف‌های جنگی خصوصاً منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و گازهای خفه‌کننده را نقض کرده‌اند و متهم با ارائه عامدانه وسایلی که بعداً به‌عنوان تسلیحات شیمیایی مورد استفاده قرار گرفته است به معاونت در جرایم مزبور مبادرت ورزیده است. حکم دادگاه استیناف در مورد سوءنیت متهم در این مورد بر این واقعیت مبتنی گشته که وی از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ به ارسال مواد شیمیایی به عراق یا به یک شرکت عراقی ادامه داده است.

متهم در جلسه رسیدگی مورخ دوم آوریل ۲۰۰۷ در دادگاه استیناف این امر را مورد پذیرش قرار داد که در طول آن دوره، وی از طریق ژاپن به ارسال «تیودی گلیکول» به شرکتی وابسته به وزارت نفت عراق مبادرت ورزیده است. علاوه بر این دادگاه به شهادتنامه شریک تجاری متهم در اوزاکا در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۵ استناد جست مبنی بر آنکه متهم از مقصد نهایی مواد شیمیایی ارسالی کاملاً آگاه بوده است. از سوی دیگر دادگاه با استناد به دلایل و امارات گوناگون این ادعای متهم در مرحله استیناف را رد می‌نماید که وی اطلاعی از این امر نداشته است که «تیودی گلیکول» ارسالی توسط وی برای عراق جهت تولید گاز سمی خردل استفاده می‌شود و هیچ دلیلی وجود نداشته که تولید گاز خردل که متهم سهم مهمی در آن جریان داشته است برای هدفی جز استفاده در جنگ صورت پذیرفته باشد. دادگاه استیناف اعلام داشت که ادله موجود در این مورد از قطعیت برخوردارند که رژیم عراق حملات هوایی یا گلوله باران‌های متعددی را علیه اماکن اثبات شده در آن کشور و در ایران صورت داده است. به زعم دادگاه در مورد ایران این حملات رژیم عراق در چارچوب یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی به‌وقوع پیوسته است که از سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شده و تا اوت ۱۹۸۸ ادامه یافته است. در حقیقت دادگاه استیناف سوءنیت متهم در ارسال مواد شیمیایی به عراق را با توجه به زمان و دفعات ارسال و نیز تمهیدات مختلف برای تداوم ارسال بعد از اولین استفاده‌های عراق از گاز خردل در جنگ عراق علیه ایران احراز کرده است.

دادگاه استیناف با بررسی دقیق گزارش‌های کارشناسی و اسناد و مدارک موجود به این نتیجه می‌رسد که فرانس فان آنرات با عرضه پیش‌ساز «تیودی گلیکول» به رژیم عراق نقش مهمی در تولید گاز خردل توسط این رژیم ایفا کرده است. حداقل ۳۸ درصد تولید عراق در این زمینه توسط متهم در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ تأمین شده است. چنین ماده‌ای از طریق انگلستان نیز در آن سالها به عراق ارسال شده است اما در مقام مقایسه سهم متهم در این زمینه مهم و قابل توجه به شمار می‌رود. با وجود اینکه ارسال چنین ماده‌ای برای عراق توسط سایرین از سال ۱۹۸۴ به بعد متوقف گردید؛ لیکن متهم تا بهار ۱۹۸۸ به ارسال ۱۱۱۶ تن از این ماده برای عراق

ادامه داده است و رژیم عراق در طی این سالها کاملاً به ارسال این ماده توسط متهم متکی بوده است.

در نهایت دادگاه استیناف با احراز معاونت متهم در جنایات جنگی ارتكابی رژیم عراق در استفاده از سلاح‌های شیمیایی، مجرمیت و لزوم مجازات وی را محرز تشخیص می‌دهد و با استناد به مواد ۸، ۱۰، ۴۹، ۵۷ و ۷۸ قانون جزا در زمان جنگ متهم را مستحق حداکثر مجازات حبس (۲۰ سال) در قوانین کیفری هلند قلمداد می‌کند.^{۱۳} شایان ذکر است که در مرحله استیناف، دادستان معتقد بود که مجازات تعیین شده برای متهم در مرحله بدوی (۱۵ سال حبس) متناسب چندان با اتهامات انتسابی به وی ندارد و این مجازات باید تشدید شود. به‌زعم دادگاه متهم در طول سالها و به‌صورت مستمر به معاونت خویش در استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی (گاز خردل) در جنگ با ایران و نیز علیه مردم عراق ادامه داده است. بی‌تردید رژیم بغداد با مبادرت به چنان اقداماتی مرتکب نقض‌های گسترده و فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شده است، نقض‌هایی که متهم نیز در ارتکاب آنها سهم عمده‌ای داشته و امروز نیز به‌هیچ وجه از کرده خود ابراز ندامت و پشیمانی نمی‌کند. دادگاه استیناف با توجه به ماهیت وخیم و جدی نقض اصول حقوق بشر دوستانه توسط رژیم عراق و نقش مهم حمایتی متهم در آن، به‌این نکته اذعان داشت که قربانیان، بازماندگان و جامعه حقوقی بین‌المللی چه بهای هنگفتی بابت اقدامات متهم پرداخت کرده‌اند و اعمال مجازات شدید فقط می‌تواند بخشی از نتیجه آن اقدامات باشد. دادگاه ادامه می‌دهد که در تعیین مجازات جنبه عمومی پیشگیرانه آن نیز باید ملحوظ نظر قرار گیرد. افراد و شرکت‌هایی که به تجارت بین‌المللی تسلیحات یا مواد خام قابل استفاده در این زمینه مبادرت می‌ورزند باید مراقب باشند که مبادا با اقدامات خویش در ارتکاب شدیدترین جنایات بین‌المللی سهیم شوند. دادگاه تنها واکنش مناسب و ضروری در این شرایط را تعیین مجازات حبس غیرقابل تعلیق برای مدت زمان طولانی قلمداد می‌کند. نهایتاً دادگاه استیناف مجازات حبس متهم در مرحله بدوی (۱۵ سال حبس) را به ۱۷ سال حبس افزایش می‌دهد.

در مرحله رسیدگی استینافی درخواست جبران خسارت هریک از خواهانها به همان میزان ۶۸۰/۶۷ یورو توسط وکیل آنها مطرح شد که مورد ایراد وکلای متهم قرار گرفت. دادگاه اعلام داشت که اولاً در چارچوب رسیدگی کیفری در این مرحله، نمی‌تواند تفسیر شفاف و عاری از ابهام از قوانین ایران و عراق در مورد خواسته خواهانها ارائه نماید. ثانیاً به‌زعم تردید جدی در مورد قابلیت اعمال قوانین ایران و عراق در مورد مزبور، حتی اگر قانون مدنی هلند نیز در مورد

۱۳. به اعتقاد دادگاه استیناف با وجود اینکه متهم جرایم مزبور را بیش از بیست سال قبل مرتکب شده و اینک وارد دوران کهولت (۶۵ سالگی) شده است و ظاهراً باید از تخفیف مجازات برخوردار شود، اما ماهیت عمل مجرمانه وی و آثار و نتایج ناشی از آن، چنان است که دادگاه نمی‌تواند تخفیف قابل توجهی در مجازات وی قائل شود.

جنبه حقوقی (مدنی) پرونده قابل اعمال می‌بود باز هم چنین کاری به‌سادگی امکان نداشت چرا که دعاوی خواهانها ماهیتی ساده و غیرفنی ندارد و به همین علت خارج از چارچوب پرونده کیفری اخیر قرار می‌گیرد. بنابراین با استناد به مواد ۳۳۲ تا ۳۳۷ قانون جزای هلند [قانون قبلی] و تفاسیر ارائه شده از آن توسط دولت که مورد حمایت پارلمان نیز قرار گرفته است می‌توان این چنین احتجاج نمود که رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری فقط در مواردی امکان‌پذیر است که جنبه مدنی مزبور ماهیتی ساده و شفاف داشته باشد. به‌واقع همین امر باعث شده است که در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی برای میزان خواسته دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم نزد دادگاه کیفری سقف قائل شوند. بنابراین دادگاه استیناف با این نظر موافقت نکرد که حداکثر میزان غرامت مورد مطالبه تنها معیاری است که سادگی یک دعاوی مدنی را به اثبات می‌رساند. بر همین اساس دادگاه استیناف دعاوی جبران خسارت خواهانها را مسموع ندانست^{۱۴} هرچند که به لحاظ عدم اعتراض متهم، حکم دادگاه بدوی در مورد پرداخت هزینه دادرسی را به نفع خواهانها ابرام نمود.

۱۴. اینکه دادگاه کیفری بخش شهر لاهه باید در این مورد به صدور قرار اناطه مبادرت می‌ورزید و یا اینکه هنوز امکان پیگیری دعاوی حقوقی مصدومان شیمیایی مزبور در دادگاههای حقوقی هلند امکان‌پذیر می‌باشد مستلزم بررسی دقیق‌تری است که در این مقال نمی‌گنجد.

نتیجه گیری

استفاده بی‌محابا و مکرر عراق از سلاح‌های شیمیایی در دهه ۱۹۸۰ علیه شهروندان آن کشور و نیز علیه نیروهای نظامی و مردم غیرنظامی ایران جنایتی بین‌المللی بود که هیچ‌گاه از خاطره تاریخ محو نخواهد شد. هنوز مصدومان شیمیایی زیادی وجود دارند که در اثر جنایات ارتكابی رژیم بعث با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. در این بین جامعه بین‌المللی هیچ‌گاه نباید از اقدامات دولت‌ها و اشخاصی که به تسلیح شیمیایی عراق مبادرت کردند غافل شود و نقش مساعدت و معاونت آنها در جنایات بین‌المللی رژیم بعث را فراموش نماید. علاوه بر این نباید از یاد برد که میان نفس عمل تجاوزکارانه رژیم بعث در حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران و استفاده این رژیم از سلاح‌های شیمیایی رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. به تعبیر دیگر عدم واکنش مناسب شورای امنیت در قبال تجاوز نظامی عراق به ایران نقش انکارناپذیری در ترغیب اشخاص و دولت‌های دیگر در تجهیز شیمیایی این رژیم و تحریک آن به استفاده از چنین سلاح‌های مرگباری را داشته است.

تعقیب «فرانس فان آنرات» توسط دادستانی شهر لاهه به اتهام کمک آگاهانه و عامدانه به برنامه شیمیایی عراق و محکومیت وی در مرحله رسیدگی بدوی (۲۳ دسامبر ۲۰۰۵) و استینافی (۹ می ۲۰۰۷) پیام‌های زیادی را با خود به همراه دارد. تعقیب فرانس فان آنرات هلندی توسط دستگاه قضائی آن کشور و محاکمه و مجازات وی، از یک سو استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضائی آن کشور را به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر هشدار به آنهایی محسوب می‌شود که با وجود معاونت در جنایات ارتكابی رژیم بعث عراق تاکنون به انحای مختلف از چنگال عدالت گریخته‌اند. در این پرونده قضائی دادگاهی داخلی به صورت مستند و مستدل استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را در حلبچه و در جنگ تحمیلی به صورت قضائی احراز نمود. هرچند حکم صادره حتی در سیستم قضائی هلند از اعتباری نسبی برخوردار است اما تحقیقات گسترده دادستانی هلند و دقت دادگاه در ارزیابی بی‌طرفانه ادله موجود و استدلال قضائی آن در احراز مجرمیت آقای فرانس فان آنرات به رأی مزبور وزن و اعتباری داده که عملاً نه تنها در دیگر پرونده‌های قضائی مشابه در هلند، بلکه در سایر کشورها نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. تشدید مجازات متهم از ۱۵ سال حبس به ۱۷ سال در مرحله رسیدگی استینافی و حکم به پرداخت غرامت به مصدومان نشان داد که در برخورد با آنان که زمینه و وسایل ارتكاب جنایات بین‌المللی را فراهم می‌آورند دادگاه‌های داخلی می‌توانند به دور از ملاحظات سیاسی با قاطعیت عمل کنند. تصریح دادگاه به اینکه قربانیان، بازماندگان و جامعه حقوقی بین‌المللی چه تاوان هنگفتی بابت معاونت فرانس فان آنرات در استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران و مردم حلبچه متحمل شده‌اند از یک سو بر نقش معاونت در ارتكاب برخی جنایات بین‌المللی و آثار

فجیع آن اشاره دارد و از سوی دیگر دستگاه قضائی هلند را نماینده کل جامعه بین‌المللی در تعیین و اعمال مجازات قلمداد کرده است.

در حکم دادگاه استیناف لاهه در مورد فرانس فان آنرات به‌صراحت اشاره شده است که برخی از دیگر اشخاص در ایتالیا، ژاپن، امریکا، سوئیس، سنگاپور، اردن و... در تجهیز شیمیایی عراق در دهه ۱۹۸۰ نقش داشته‌اند.

اگر نتوان اشخاص متهم به معاونت در استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی را به لحاظ موانع صلاحیتی در مراجع بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد و اگر به لحاظ وجود گذشت بیش از بیست سال از تاریخ آخرین استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران به لحاظ ایراد مرور زمان نتوان در برخی از کشورها متهمین را تحت تعقیب قرار داد یا مسئولیت مدنی آنها را جهت جبران خسارات وارده مطرح نمود؛ اما هنوز نمی‌توان در تمام کشورهای ذی‌ربط مصدومان شیمیایی جنگ تحمیلی را صرفاً دارای حقوق غیرقابل استیفاء قضائی دانست. اینکه آیا هنوز باید منتظر ماند تا مانند پرونده فرانس فان آنرات دادستانی کشوری خاص به تعقیب متهمی معین به جرم معاونت در جرایم ارتكابی رژیم عراق علیه مردم ایران مبادرت ورزد و پس از آن در جمع‌آوری ادله به کمک آن دادستانی بشتابیم یا اینکه باید با آموختن درس‌های لازم از پرونده فرانس فان آنرات فراتر از شعارهای سیاسی و گریستن در شهادت مظلومانه مصدومان شیمیایی، در مراجع قضائی خارجی در مقام احقاق حق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بعث برائیم پاسخ چندان دشواری ندارد. به‌نظر می‌رسد بیست سال درنگ و تعلل برای کشف پاسخ این سؤال و اقدام براساس آن زمان چندان کوتاهی نباشد.